

مورد عجیب نوزاد مرده

پس از ۴۱ سال

■ غلامرضا مسکنی

زن میانسانی با شکایت از مسلولان یک بیمارستان مدعی شد نوزاد چندروزه‌اش که ۴۱ سال قبل به گفته مسلولان بیمارستان فوت کرده‌بود، زنده است و پزشک سابق بیمارستان پس از سال‌ها را ز فروش فرزندش را برای او فاش کرده‌است؛ ادعایی که با انکار پزشک روبرو شده و اکنون تحقیقات پلیسی و قضایی برای روشن شدن سرنوشت نوزاد ادامه دارد.

چند روز قبل زن میانسانی با مراجعه به دادسرای امور جنایی تهران، شکایتی را مطرح کرد که پس از ۴۱ سال بار دیگر خاطرات تلخ گذشته را برای او زنده کرده‌است. این زن مدعی شد پسر چندروزه‌اش که تابستان سال ۱۳۶۴ در یکی از بیمارستان‌های تهران به دنیا آمده‌بود، برخلاف آنچه مسلولان بیمارستان به او گفته بودند، فوت نکرده و احتمال دارد به خانواده دیگری واگذار شده‌باشد.

■ تولد پسر و خبر مرگ

زن میانسال در تشریح ماجرا به باز پرس گفت: «تابستان سال ۶۴ برای نخستین‌بار باردار شدم و در یکی از بیمارستان‌های تهران زایمان کردم. پسر به دنیا آمد، اما پزشکان گفتند نوزادم به بیماری برقان مبتلا شده و باید بستری بماند. به همین دلیل من از بیمارستان مرخص شدم، اما پسر همچنان بستری بود.»

او ادامه داد: «چند روز خانوادهم برای پیگیری گذشته نوزادم به بیمارستان رفت‌وآمد داشتند و وضعیت نوزاد به بیمارستان رفت‌وآمد داشتند تا اینکه بعد از چهار روز حال‌بهتر شد و خودم برای تحویل گرفتن پسر به بیمارستان رفتم، اما مسئول بخش به من گفت که نوزادم به دلیل همان بیماری فوت کرده‌است.»

این زن در حالی که مدعی بود هیچ‌گاه جسد فرزندش را ندیده‌است، گفت: «حتی جسد نوزادم را هم به من نشان ندادند و گفتند خودشان او را

بازداشت ۲ سارق باشلیک‌پلیس

تعقیب و گریز بامدادی دو سارق مو‌تورسیکلت در خیابان‌های مرکزی تهران با شلیک پلیس به لاستیک مو‌تورسیکلت پایان یافت و هر دو متهم پس از فرای ۴۰۰ متری دستگیر شدند.

به گزارش «جوان» سرهنگ محمد مقدسی، سرکلانتر هشتم پلیس پیشگیری تهران گفت: ساعت ۴:۲۰ بامداد روز گذشته مأموران گشت پلیس در حال گشت‌زنی در خیابان شیخ هادی بودند که چشمانش به دو مرد مو‌تورسوار هوندا با پلاک مخدوش افتاد. رفتار دو مرد برای مأموران مشکوک بود. آنها‌در حال سرعت از یک دستگاه خودرو بودند، اما به محض مشاهده مأموران، دو متهم مسیر حرکت خود را تغییر داد‌ه و در خلاف جهت خیابان شیخ هادی پا به فرار گذاشتند. عملیات تعقیب تا محدوده خیابان امام‌محمینی ادامه پیدا کرد، دو متهم پس از رها کردن مو‌تورسیکلت، از غرب به شرق خیابان امام‌محمینی دویدند و تلاش کردند با فرار در کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف از دست مأموران خلاص شوند. مأموران نیز به تعقیب آنها ادامه دادند و پس از طی حدود ۲۰۰ متر، هر دو متهم را دستگیر کردند. در بررسی مو‌تورسیکلت مشخص شد این مو‌تورسیکلت در محدوده کلانتری ۱۴۷ گلبرگ سرتقت شده‌است. همچنین مأموران در بازرسی از دو متهم دو گوشی تلفن همراه سرقتی کشف کردند. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر آنها جریان دارد.

عاملان قتل پسر نوجوان بازداشت شدند

فرمانده انتظامی الیگودرز از شناسایی و دستگیری دو متهم به قتل نوجوان ۱۷ساله در جریان یکسک درگیری در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ علی اسداللهی گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع درگیری منجر به قتل، مأموران انتظامی بلافاصله به محل حادثه اعزام شدند و در بررسی‌های میدانی دریافتند که نوجوانی ۱۷ساله در جریان درگیری بر اثر اصابت ضربات چاقو به شدت مجروح شده و پس از انتقال به بیمارستان، به دلیل شدت جراحات وارده جان خود را از دست داده‌است. اسداللهی گفت: مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود مخفیگاه متمهمان را شناسایی و دو متهم را کمتر از دو ساعت پس از وقوع قتل دستگیر کردند. فرمانده انتظامی الیگودرز با اشاره به تحقیقات اولیه از متمهمان اظهار کرد: هر دو متهم در تحقیقات اولیه به‌ارتکاب جرم اعتراف کرده و اختلافات قبلی را انگیزه وقوع درگیری عنوان کردند.

دفن می‌کنند. من هم بر گهای را امضا کردم و

از بیمارستان بیرون آمدم.»

■ غم ۴۱ساله

زن میانسال درباره روزهای سخت پس از این حادثه گفت: «آن زمان به شدت افسرده شدم، اما شوهرم و خانواده‌ام کنارم بودند و تلاش کردم این حادثه تلخ را فراموش کنم. مدتی بعد آرام‌تر شدم، اما هیچ‌وقت فوت پسرمر را فراموش نکردم. دوباره صاحب فرزند شدم و حالا فرزند دومم ازدواج و زندگی خودش را آغاز می‌شدم.»

او افزود: «آن تابستان سخت‌ترین تابستان زندگی من بود. حتی امروز وقتی به یاد آن حادثه می‌افتم، تمام وجودم را غم فرا می‌گیرد و گریه می‌کنم. همیشه به خودم می‌گویم اگر بیمارستان جسد نوزادم را به من می‌داد و خودم او را دفن می‌کردم، هر وقت دلم می‌گرفت سر مزارش می‌رفتم و آرام می‌شدم.»

■ دیدار دوباره با بیمارستان

این زن در ادامه ماجرای شکایت خود گفت: «سال‌ها گذشت تا اینکه چند روز قبل بیمار شدم و برای معاینه به مطب پزشکی رفتم. وقتی وارد مطب شدم، متوجه شدم این محل درست روبه‌روی همان بیمارستانی است که سال ۶۴ در آن زایمان کرده بودم و پسرمر را از دست داده بودم. دیدن بیمارستان دوباره تمام خاطرات آن سال‌ها را برایم زنده کرد و حال

شاکی گفت: «وقتی خانم دکتر علت ناراحتی‌ام را پرسید، ماجرای ۴۱سال قبل را برایش تعریف کردم. گفتم نخستین فرزندم در آن بیمارستان به دنیا آمد، اما مسلولان گفتند فوت کرده‌است و من هیچ‌وقت نتوانستم باور کنم که پسرمر مرده باشد.»

■ ادعای افشای یکراز

زن میانسال مدعی شد پزشک پس از شنیدن ماجرای او، حرفی زده که زندگی‌اش را بار

دیگر دگرگون کرده‌است.

او گفت: «خانم دکتر به من گفت که در همان زمان پزشک آن بیمارستان بوده‌است. او مدعی شد من چند روز دیرتر برای گرفتن نوزادم مراجعه کرده‌بودم و در همان روزها نوزاد یک خانواده پولدار فوت کرده و حال مادرش به شدت بد شده‌بود. به گفته او، پزشک بیمارستان نوزاد من را به آن خانواده داده و زمانی که من برای تحویل گرفتن فرزندم مراجعه کردم، به دروغ گفتند که پسرمر فوت کرده‌است.» این زن ادامه داد: «حرف‌های پزشک شو‌کام کرد، اما در دلم امیدوی ایجاد شد. با خودم گفتم شاید بعد از ۴۱سال بتوانم پسرمر را پیدا کنم و او را ببینم. خاطرات آن سال‌ها را برایم زنده کرد و حال

شاکی گفت: «وقتی خانم دکتر علت ناراحتی‌ام را پرسید، ماجرای ۴۱سال قبل را برایش تعریف کردم. گفتم نخستین فرزندم در آن بیمارستان به دنیا آمد، اما مسلولان گفتند فوت کرده‌است و من هیچ‌وقت نتوانستم باور کنم که پسرمر مرده باشد.»



او گفت: «در این چند روز خیلی خوشحال بودم و در پوست خودم نمی‌گنجیدم. با شوهرم نزد خانم دکتر رفتم، اما او نه تنها کمکی نکرد، بلکه گفت اصلاً در جریان فروش یا ر بوده شدن نوزادم نیست.»

زن میانسال گفت: «او روز اول به من گفته بود عذاب وجدان دارد و به همین دلیل بعد از ۴۱سال واقعیت را برایم تعریف کرده‌است، اما بار دوم تمام حرف‌های را که زده بود، انکار کرد و گفت دیگر به مطبش نرویم. با این حال من مطمئن هستم او از سرنوشت فرزندم خبر دارد و به همین دلیل از او شکایت کردم. فقط می‌خواهم کمکم کنند تا بتوانم پسرمر را که حالا باید ۴۱ساله باشد، پیدا کنم و ببینم.»

■ احضار پزشک به دادسرا

با ثبت این شکایت، پرونده برای انجام تحقیقات در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. همچنین پزشک مورد ادعای شاکی به دستور قاضی عظیم سهرابی، باز پرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران، برای ارائه توضیحات به دادسرا احضار شد. پزشک در جلسه تحقیق، ادعاهای زن میانسال را رد کرد و گفت: «آن روز که این زن برای معاینه نزد من آمد، متوجه شدم حال روحی خوبی ندارد و گریه کرده‌است. او به شدت افسرده بود و من علت ناراحتی‌اش را پرسیدم. گفت ۴۱سال قبل نخستین فرزندش را در بیمارستان روبه‌روی مطب من به دنیا آورده، اما نوزادش فوت کرده و حالا با دیدن دوباره بیمارستان خاطرات آن روزها برایش زنده شده‌است.»

پزشک ادامه داد: «من فقط می‌خواستم به او دلداری بدهم و کمک کنم حالش بهتر شود. به او گفتم می‌تواند بچه‌هایی را که در آن روز در بیمارستان به دنیا آمده‌اند شناسایی کند و اگر به این نتیجه رسید که فرزندش فروخته شده، با انجام آزمایش دی‌ان‌ای می‌تواند به فرزندش برسد.»

این پزشک در ادامه گفت: «من اصلاً زمانی که نوزاد این زن فوت کرده‌بود، در آن بیمارستان کار نمی‌کردم. آن زمان در شهرستان پزشک بودم و یک سال و نیم بعد به آن بیمارستان آمدم و مشغول طبابت شدم، بنابراین از ماجرای فرزند این زن هیچ اطلاعی ندارم.»

■ ادامه تحقیقات

در حالی که پزشک هرگونه اطلاع از سرنوشت نوزاد را انکار کرده‌است، بررسی‌های اولیه نشان می‌ده‌د او در زمان فوت نوزاد در آن بیمارستان مشغول به کار نبوده‌است. با این حال، تحقیقات به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد.

ربوده شدن دختر ۱۲ساله پس از پایان کلاس زبان

■ آرمن بینا

دختر ۱۲ساله‌ای که برای شرکت در کلاس زبان وارد یک مؤسسه آموزشی شده بود، پس از پایان کلاس هنگام بازگشت به خانه ناپدید شد. بررسی دوربین‌های مداربسته نشان داد یک خودروی سواری دختر نوجوان را تعقیب و سرنشین آن پس از توقف خودرو در محلی خلوت، مهتاب را به زور سوار خودرو کرده است. تحقیقات پلیسی برای شناسایی آدم‌ربایان و نجات دختر نوجوان ادامه دارد.

چند روز قبل مرد جوانی سرانیمه به اداره پلیس تهران رفت و از ناپدید شدن ناگهانی دختر ۱۲ساله‌اش به نام مهتاب خبر داد و درخواست کمک کرد.

این مرد در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «دخترم هر روز برای یادگیری زبان انگلیسی به یکی از مؤسسات زبان در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر می‌رفت. من او را به مؤسسه می‌رساندم و بعدازظهر هم با خودرو به دنبالش می‌رفتم و با هم به خانه برمی‌گشتیم. امروز هم مثل همیشه دخترم را به مؤسسه بردم، اما به دلیل انجام کاری و ترافیک خیابان‌ها، کمی

دیرتر به دنبال او رفتم. وقتی به مؤسسه رسیدم، مسئولان

گفتند مهتاب پس از پایان کلاس از آنجا خارج شده است. «

وی ادامه داد: «ابتدا تصور کردم خودش به خانه برگشته، اما وقتی به خانه رسیدم، همسرم گفت مهتاب هنوز نیامده است. به‌شدت نگران شدم و همراه همسرم خانه دوستان و بستگان را جست‌وجو کردم، اما هیچ‌کس از دخترم خبری نداشت. انگار آب شده و به زمین رفته است. نگرانیم که اتفاق بدی برای او افتاده باشد.»

■ تصاویر دوربین‌ها را ز ناپدید شدن مهتاب را

فاش کرد

پس از ثبت شکایت، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی تحقیقات برای پیدا کردن ردی از دختر نوجوان را آغاز کردند.

کارآگاهان در نخستین مرحله به بررسی مسیر تردد مهتاب پرداختند و مشخص شد او پس از پایان کلاس از مؤسسه خارج شده است، مأموران سپس تصاویر دوربین‌های مداربسته اطراف مؤسسه و مسیرهای احتمالی تردد دختر نوجوان را

پایان سرتقت‌های سریالی مجتمع تجاری شهرک ولیعصر

از تباط داشته باشد. متهم پس از دستگیری و انتقال به کلانتری، در جریان بازجویی‌های تخصصی به سرتقت‌های شبانه اعتراف کرد.

در بازرسی از مخفیگاه متهم، یک دستگاه کولر به همسرا پایه، هشتت ورق دیفیوزر، هشت ورق پلکسی، یک ورق امدی‌اف و یک دستگاه کولر گازی کشف شد که پس از شناسایی مالکان به آنها تحویل داده شد. متهم همچنین مدعی شد مسئول حراست مجتمع نیز در سرتقت‌ها با همکاری داشته است، ادعایی که صحت آن در دست بررسی قرار دارد. با دستور قضایی، پرونده متهم برای ادامه تحقیقات و بررسی ارتباط او با سایر سرتقت‌های احتمالی در اختیار پلیس آگاهی پایگاه پنجم قرار گرفت.

سرکلانتر چهارم پلیس پیشگیری یابنتخت از دستگیری مردی خبر داد که با انتشار آگهی‌های جعلی در سسامانه دیوار و در یافت بیعانه، حدود ۸۰نفسر را قریب داده بود.

به گزارش «جوان»، سرهنگ صادق ضرونی در تشریح این پرونده گفت: مأموران کلانتری ۱۲۷ نارمک در جریان اجرای طرح‌های عملیاتی و سرکشی از یکی از پاتوق‌های سسارقان، فردی را شناسایی و دستگیر کردند که برپرس‌های بعدی نشان داد در فضای مجازی اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می‌کرد. وی افزود: متهم با انتشار آگهی‌های جعلی در سامانه دیوار، پس از جلب اعتماد متقاضیان از آنها تحت عنوان بیعانه وجه دریافت می‌کرد و سپس با حذف آگهی و مسدود کردن شماره تلفن قربانیان، امکان پیگیری را از آنها می‌گرفت. سرکلانتر چهارم پلیس پیشگیری یابنتخت ادامه داد: در جریان تحقیقات و بررسی شکایت‌های ثبت‌شده، حدود ۸۰نفر شناسایی شدند که با همین شیوه هدف کلاهبرداری قرار گرفته بودند. ضرونی گفت: با هماهنگی مقام قضایی، پرونده‌ای برای متهم تشکیل و او برای ادامه رسیدگی در اختیار مرج قضایی قرار گرفت. تحقیقات برای شناسایی سایر مالباختگان و بررسی تراکتش‌های مالی و وجوه دریافت‌شده از شاکیان همچنان ادامه دارد. وی در پایان به شهروندان هشدار داد پیش از احراز هویت فروشنده و اطمینان از اصالت کالا، از پرداخت بیعانه به افراد ناشناس خودداری کنند و در صورت مشاهده آگهی‌های مشکوک، موضوع را از طریق مراجع قانونی پیگیری کنند.

➤ یادداشت

خودروی ایمن چرا فقط منطقه آزاد؟



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

گاهی برای فهمیدن یک مسئله پیچیده، فقط کافی است یک سؤال ساده بپرسیم: اگر یک خودرو واقعاً ایمن نیست، چرا باید شهروند مجبور باشد جان خود را برای حمایت از تولیدکننده به خطر بیندازد؟

این سؤال زمانی جدی‌تر می‌شود که رئیس پلیس راهور فراچبا، نه یک منتقد صنعت

خودرو، بلکه عالی‌ترین مقام پلیس مسئول ایمنی تردد در کشور، صراحتاً می‌گوید:

«حمایت از تولید داخل به قیمت جان مردم

اشتباه محض است.» این جمله را نمی‌توان در میان انبوه خبرهای روزمره گم کرد. پشت آن سال‌ها تصادف، مرگ، معلولیت، هزینه‌های سنگین درمان و خانواده‌هایی قرار دارند که یک حادثه رانندگی، زندگی‌شان را برای همیشه تغییر داده است. هیچ‌کس منکر اهمیت تولید داخل نیست. صنعت خودرو اشتغال ایجاد می‌کند، زنجیره بزرگی از صنایع را به حرکت درمی‌آورد و بخشی از اقتصاد کشور به آن وابسته است. اما سؤال اینجاست که مرز حمایت کجاست؟ آیا حمایت از یک صنعت باید آن‌قدر مطلق باشد که شهروند حتی حق انتخاب خودروی ایمن‌تر را هم نداشته باشد؟

سردار سیدتمور حسینی به یک واقعیت ساده اشاره کرده‌است: انسان خطا می‌کند. راننده ممکن است خواب‌آلود شود، حواسش پرت شود یا در یک لحظه تصمیم اشتباهی بگیرد. فلسفه وجود سامانه‌های ایمنی خودرو نیز دقیقاً همین است، اینکه خطای انسانی به قیمت جان انسان تمام نشود.

پس وقتی یک مقام مسئول می‌گوید بر خورد یک پژو با گاردریل می‌تواند به مرگ شش سرنشین منجر شود، دیگر نمی‌توان همه چیز را به «خطای انسانی» تقلیل داد. اگر انسان جایز‌الخطاست، خودرو و جاده باید برای کاهش تبعات این خطا طراحی شوند. اگر همین‌جا یک پرسش اجتماعی جان گرفته است: اگر خودروهای وارداتی و استاندارد می‌توانند احتمال مرگ یا شدت جراحات را کاهش دهند، چرا دسترسی به آنها نباید برای همه شهروندان فراهم باشد؟ اکنون در مازندران سخن از ظرفیت خودروهای وارداتی و پلاک منطقه آزاد است. اگر منطقه‌ای بتواند از این امکان استفاده کند، اصل مسئله قابل تأمل است، اما چرا این امتیاز باید محدود به جغرافیا باشد؟ اگر خودروی ایمن، حق طبیعی شهروند است، چه تفاوتی میان جان شهروند مازندرانی و شهروند تهرانی، اصفهانی، کرمانی یا سیستان‌ویلوچستانی وجود دارد؟

اگر قرار است منطقه آزاد، راهی برای دسترسی مردم به خودروهای ایمن‌تر باشد، شاید بهتر باشد به‌جای توسعه استثناها، درباره اصل سیاست بازنگری کنیم. چرا کل کشور نباید به‌گونه‌ای مدیریت شود که شهروند بتواند میان خودروهای ایمن داخلی و خارجی انتخاب کند؟ در بررسی‌کی که سال‌هاست افکار عمومی با خود حمل می‌کند: چرا مسئولان از مدیران، مالکان و تصمیم‌گیر صنعت خودرو و خانواده‌های آنان، برای سفرهای شخصی خود الزاماً همان محصولات را انتخاب نمی‌کنند که از مردم انتظار دارند استفاده کنند؟ اگر این خودروها از نظر ایمنی در شأن خانواده‌های آنان نیست، آیا سواران شهروندان عادی هستند؟ سال‌هاست که منتظر استثناء منطقه آزاد یا مجوز ویژه بماند، اما خودروهای ایمن وجود کرد: «تولید داخلی را حمایت کنید، اما نه به قیمت جان مردم.»

وقت آن رسیده است که در سیاست خودرو، جان انسان از مصلحت صنعت مهم‌تر باشد. شهروند ایرانی نباید برای سوار شدن بر خودروی ایمن، مجبور باشد منتظر استثناء منطقه آزاد یا مجوز ویژه بماند. باید خودروهای ایمن وجود دارند، راه دسترسی به آنها را باز کنید و اگر تولید داخلی توان رقابت ندارد، به جای بستن درهای انتخاب مردم، کیفیت تولید را بالا ببرید. در نهایت، این مردم نیستند که باید هزینه ضعف سیاست‌گذاری را با جان خود بپردازند.



رئیس پلیس راهور فراچا:

حمایت از تولید داخل نباید به قیمت جان مردم باشد

رئیس پلیس راهور فراچا با تأکید بر نقش خودروهای ایمن و استاندارد در کاهش تصادفات و پیامدهای ناشی از حوادث رانندگی گفت: حمایت از تولید داخل نباید به قیمت جان مردم باشد و خودروی باکیفیت می‌تواند هم از وقوع تصادف و هم از شدت صدمات و تلفات ناشی از آن بکاهد.

سردار سید تیمور حسینی، روز گذشته در مراسم رونمایی از ظرفیت‌های جدید خودرویی منطقه آزاد مازندران، با اشاره به ماهیت چندبعدی حوزه حمل‌ونقل و ترافیک گفت: این حوزه از یک‌سوا با مؤلفه‌های کاملاً فنی و مهندسی، به‌ویژه در بخش راه و وسیله نقلیه، سسروکار دارد و از سوی دیگر با یک موضوع کاملاً انسانی مواجه است، چراکه کاربران این حوزه انسان است و رفتار و نیز بر کیفیت و ایمنی حمل‌ونقل تأثیر مستقیم دارد. رئیس پلیس راهور فراچاقش خودروهای ایمن را در این زمینه دوگانه دانست و افزود: یک خودروی خوب و استاندارد با برخورداری از سامانه‌های ایمنی فعال می‌تواند از وقوع بسیاری از تصادفات جلوگیری کند و از سوی دیگر، سامانه‌های ایمنی غیرفعال خودرو نیز می‌توانند در صورت وقوع حادثه، شدت صدمات را کاهش دهند.

حسینی با اشاره به نمونه‌ای از یک حادثه رانندگی گفت: در یکی از استان‌های کشور، خودروی پژو ۲۰۶ به دلیل خواب‌آلودگی راننده با گاردریل برخورد کرد و شش سرنشین آن جان خود را از دست دادند؛ پرسش این است که در کجای دنیا پذیرفته شده که تاوان یک خطای انسانی، مرگ شش انسان باشد؟ اگر خودرو ایمنی مناسبی بر خوردار بود، قطعاً می‌توانست شدت آسیب‌ها را به میزان قابل‌توجهی کاهش دهد. وی با بیان اینکه انسان ممکن است مرتکب خطا شود، اظهار کرد: طراحی سامانه‌های ایمنی خودرو دقیقاً برای همین است که اگر راننده دچار خطا شد، پیامد آن خطا تا حد امکان کاهش پیدا کند، بنابراین خودروی باکیفیت می‌تواند هم احتمال وقوع تصادف و هم تبعات و نتایج آن را کاهش دهد و حتی یک حادثه منجر به فوت را به جرح یا خسارت مالی تبدیل کند. رئیس پلیس راهور فراچا با تأکید بر ضرورت فراهم کردن امکان دسترسی مردم به خودروهای ایمن گفت: حمایت از تولید داخل یک اولویت است، اما حمایت از تولید داخل به قیمت جان مردم اشتباه محض است. در هر حوزه‌ای می‌توان اولویت را به تولید داخل داد، اما در حوزه‌ای که استاندارد‌ها و مؤلفه‌های ایمنی مستقیماً با حفظ جان مردم ارتباط دارد، کیفیت و ایمنی باید در اولویت قرار گیرد.

وی همچنین بر ضرورت تجهیز سامانه‌های پلاک‌خوانی و ثبت تخلفات در استان تأکید کرد و گفت: اداره کل اهداری و شهرداری‌های شهرهای بزرگ مازندران باید سامانه‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که امکان خواش و ثبت تخلفات خودروهای دارای پلاک منطقه آزاد نیز فراهم شود.